



۲۱ سپتمبر، ۲۰۲۶

فواد احمد ارسلا

سخنان بی قید، اعمال مشروط: بازی دوگانه پاکستان در برابر عربستان سعودی

خوانندگان محترم، این مقاله چند روز قبل به انگلیسی نشر و به مقصد تاثیر گذاری و عرضه تحلیل برای خوانندگان انگلیسی زبان ترویج شده است که اگر برای خواننده گان مطلع افغان که دهه ها از مکر پاکستان آگاه هستند تکراری به نظر برسد از قبل پوزش میطلبم.



شکاف میان آنچه رهبری نظامی پاکستان می گوید و آنچه در عمل انجام می دهد، رو به گسترش است. این تفاوت در برخورد آن با عربستان سعودی به گونه روشن دیده می شود. اظهارات علنی قاطع، حتی نمایشی است. سخنگوی نظامی پاکستان از تعهد «بی قید و شرط» به امنیت عربستان سخن می گوید و تصویر یک اتحاد استوار و آمادگی کامل را نشان می دهد. اما واقعیت عملی که در سراسر منطقه جریان دارد، داستانی بسیار حساب شده تر را نشان می دهد. پاکستان همراه با عربستان عمل نمی کند، بلکه خود را در اطراف عربستان جای می دهد.

این تفاوت اهمیت دارد.

در زمانی که عربستان سعودی با فشارهای رو به افزایش از سوی تهدید های منطقه یی، از جمله حملات در حال افزایش نیروهای همسو با ایران روبهرو است، اسلام آباد لغت پردازی را بر عمل ترجیح داده است. تحلیلگران پیش از این نیز اشاره کرده اند که با وجود توافق های دفاعی و دهه ها همکاری نظامی، پاکستان محتاط باقی مانده و به جای دخالت مستقیم، بر گفتگو و خویشتنداری تأکید کرده است. این تردید نیست. این یک طرح است.

تشکیلات نظامی پاکستان در حالی که همبستگی خود را به ریاض نشان می دهد، با دقت از هزینه های هم سوئی واقعی دوری می کند.

در همان زمان، روایت دیگری را نیز تقویت می کند. این گونه القا می شود که مردم پاکستان به گونه کامل در کنار عربستان ایستاده اند. این پیام رسانی حساب شده است. این کار فاصله ای میان احساسات مردمی و رفتار تشکیلات دولتی ایجاد می کند و به دولت اجازه می دهد که هم سوئی اخلاقی را ادعا کند، در حالی که انعطاف ستراتیژیک خود را حفظ می کند. بار وفاداری به دوش مردم گذاشته می شود، در حالی که مرکز تصمیم گیری از تعهد روشن دور می ماند. و سپس، تقریباً همزمان، بی ثباتی داخلی شدت می گیرد.

افزایش خشونت در مناطق غربی پاکستان، از جمله انفجارهای مرگبار، حملات گروه های مسلح، و عملیات های متقابل، تصویر کشوری را تقویت می کند که درگیر بحران های امنیتی خود شده است. این رویدادها واقعی و مرگبار اند، اما نقش دوم نیز دارند. آن ها توجیهی آماده برای بی عملی در بیرون فراهم می کنند. کشوری که در داخل درگیر است، انتظار نمی رود که در بیرون قدرت نمایی کند. این تصادفی نیست. این زمان بندی است.

در همین حال، رفت و آمدهای سیاسی در جهت دیگری افزایش می یابد. ترکیه و قطر پیش قدم می شوند، با کابل وارد گفتگو می شوند، تلاش برای کاهش تنش ها می کنند، و راه هایی را بررسی می کنند که فشار در امتداد مرز افغانستان و پاکستان را کاهش دهد. این تصویر گویاست. در حالی که پاکستان به گونه علنی با عربستان هم سوئی نشان می دهد، در سکوت محیطی منطقه یی را فراهم می کند که دیگران بار ثبات سازی را به دوش بگیرند.

نتیجه، یک ستراتیژی چندلایه است.

پاکستان عربستان را با سخن آرام می‌سازد، مردم خود را با هم‌سویی نمایشی قانع می‌کند، و خود را با امکان انکار قابل باور حفظ می‌کند. نه ریاض را رها می‌کند و نه به‌گونه کامل به آن متعهد می‌شود. بلکه فضا ایجاد می‌کند. فضا برای حرکت، برای حفظ انتخاب‌ها، و برای انتظار.

این رفتار یک دولت گرفتار شرایط نیست. این رفتار اساسی است که از اهرم‌ها به‌خوبی آگاه است. با نشان دادن وفاداری بدون عمل الزام‌آور، پاکستان روابط خود را در محورهای رقیب حفظ می‌کند. از درگیر شدن در تقابل‌های رو به افزایش عربستان دوری می‌کند، در حالی که دسترسی، نفوذ، و پیوندهای مالی خود را نگه می‌دارد. بی‌ثباتی داخلی را هم به‌عنوان واقعیت و هم به‌عنوان سپر به‌کار می‌گیرد. و با سپردن مدیریت تنش‌های منطقه‌ای به میانجی‌هایی مانند ترکیه و قطر، میزان درگیری خود را کاهش می‌دهد در حالی که همچنان در مرکز معادله باقی می‌ماند.

اما چنین ستراتیژی بدون خطر نیست.

برای عربستان، پیام پنهان در پس این اظهارات روشن است. تضمین‌های علنی همیشه به تعهد عملی تبدیل نمی‌شود. برای منطقه، این نمونه چرخه‌ای از بی‌ثباتی مدیریت‌شده را تقویت می‌کند، جایی که بحران‌ها حل نمی‌شوند بلکه جا به جا می‌شوند.

تشکیلات نظامی پاکستان سردرگم نیست. در حال محاسبه است.

این تشکیلات هم زمان در چند صفحه بازی می‌کند، در یک سو وفاداری نشان می‌دهد و در سوی دیگر به‌گونه پنهانی مسئولیت را جابه‌جا می‌کند. پرسش این نیست که آیا این ستراتیژی عمدی است یا نه. شواهد نشان می‌دهد که چنین است.

پرسش واقعی این است که این توازن تا چه زمانی دوام می‌آورد، پیش از آن‌که سخن و واقعیت با هم برخورد کنند.